



طرح تدوین «نظام جایگزین بین‌الملل» (از طرح‌های پژوهشی منتشرنشده سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲):

مفهوم‌شناسی و شناخت ساختار قدرت اقتصادی و روح حاکم بر نظام جهانی

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری اقدام به انتشار طرح‌های پژوهشی انجام‌گرفته طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ کرده است. پژوهش جامع طرح تدوین «نظام جایگزین بین‌الملل» از جمله این پژوهش‌هاست. پژوهش «مفهوم‌شناسی و شناخت ساختار قدرت اقتصادی و روح حاکم بر نظام جهانی» یکی از ۲۵ پروژه (اعم از پروژه‌های اجرایی، مطالعاتی و سیستمی) این پژوهش جامع است که در سه جلد انجام شده است. ۴۷ جلد اول؛ مقدمه و کلیات ۴۷ جلد دوم؛ نقد و تحلیل کشورها و بلوک‌های قدرتمند اقتصادی ۴۷ جلد سوم؛ ارزیابی کانون‌های غیررسمی اقتصادی، مدل‌سازی و نقد و تحلیل فرضیات ۴۷ این پروژه از مجموعه «پروژه‌های تحقیقاتی» این طرح بوده که ذیل عنوان «روح حاکم بر نظام سلطه» به انجام رسیده است. ۴۷

در مقدمه این پژوهش آمده است:

مطالعه خصوصیات کشورهای که دارای قدرت اقتصادی هستند بیان‌کننده این واقعیت است که این کشورها در تمام ابعاد اقتصادی از بهبودهای نسبی قابل قبولی برخوردار بودند و قدرت اقتصادی این کشورها صرفاً به معنی داشتن رشد اقتصادی بالا نبود. چه بسا بسیاری از کشورها همچون سنگاپور، مالزی، کره جنوبی و... دارای رشد اقتصادی بالایی بوده ولی به عنوان قدرت‌های اقتصادی جهان مطرح نیستند.

قدرت اقتصادی در مقایسه با رشد اقتصادی از مفهوم وسیع برخوردار است و رشد اقتصادی مستمر و پایدار شرط لازم و ضروری برای دستیابی به قدرت اقتصادی است. برخی معیارهای موجود در کشورهای صاحب قدرت اقتصادی داشتن رشد اقتصادی مستمر و پایدار، بهبود شاخص‌های توسعه انسانی، کاهش نابرابری درآمد، تعامل با اقتصاد جهانی و داشتن سهم بیشتر در تجارت جهانی، ثبات و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی، کاهش فقر، بهبود بهداشت، کاهش فساد و جرم و... است. در این میان دو دسته عوامل رسمی و غیررسمی می‌توانند بر شاخص‌های مذکور تأثیرگذار باشند و منظور از عوامل رسمی، عوامل اقتصادی هستند که به‌طور مستقیم با شاخص‌های کلان اقتصادی در ارتباط بوده و بستگی به سیاست‌های درون اقتصادی آن کشور دارد. اما عوامل غیررسمی مستقل از آن بوده و بیشتر به موضوع تعامل سیاسی کشور با سایر کشورها، تحولات منطقه‌ای، مسئله تحریم و ... برمی‌گردد که به‌طور غیرمستقیم می‌توانند اقتصاد کشورها را تحت تأثیر قرار بدهند. بسیاری از این معیارها در کشورهایی با رشد اقتصادی بالا قابل ملاحظه بوده و برای رسیدن به رشد اقتصادی بایستی آن‌ها را مورد توجه قرار داد. لذا گرچه می‌توان قدرت اقتصادی را از رشد اقتصادی مستقل دانست و عناصر دیگری مانند وسعت جغرافیایی، اندازه جمعیت و حضور فعال در عرصه سیاست بین‌الملل را در دستیابی به آن مهم دانست ولی به جرات می‌توان گفت که قدرت اقتصادی جوامع از رشد مستمر و پایداری اقتصادی آن‌ها نشات می‌گیرد.

چنانچه کشوری مانند چین، اگر چه از نظر شاخص توسعه انسانی در مقایسه با ایالات متحده فاصله زیادی دارد ولی طی سه دهه اخیر همواره از رشد اقتصادی بالاتری نسبت به کشورهای صاحب قدرت اقتصادی نظیر ایالت متحده برخوردار بوده و بنابراین توانسته است در طول این مدت سهم بالایی از حجم تجارت جهانی را به خود اختصاص داده و منابع عظیمی از ذخایر ارزی را در اختیار داشته باشد. لذا چین به پشتوانه رشد پایدار اقتصادی و به تبع آن تولید، و فناوری‌های نوینی که کسب نموده است خود را از نظر کارشناسان اقتصادی به عنوان قدرت تراز اول اقتصادی برای دهه ۲۰۲۰ میلادی مطرح ساخته است.

پس لازم و ضروری است که دلایل رشد اقتصادی بالای برخی کشورها را مورد توجه قرار دهیم و لازمه آن درک درست مدل‌های رشد اقتصادی و متغیرهایی است که بر رشد اقتصادی و به عبارتی بر قدرت اقتصادی اثرگذارند. ضمن اینکه درک و استخراج سازوکار رشد اقتصادی می‌تواند سازوکار قدرت گرفتن اقتصادی نیز باشد.

مدل‌های رشد اقتصادی به بررسی عوامل گوناگون در رشد اقتصادی پرداخته و تفاوت منبع رشد اقتصادی کشورها را روشن می‌سازد. لذا در ادامه فصل ابتدا به مبانی تئوری مدل‌های رشد برونزا و درونزا پرداخته شده و عوامل رسمی تأثیرگذار بر رشد اقتصادی کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد و بخش دوم به شواهد تجربی و حقایق آشکار شده عناصری که کلید موفقیت و قدرت اقتصادی برخی کشورها بوده است، می‌پردازد و بخش پایانی نیز به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

برای آگاهی از سایر پژوهش‌های انجام شده طرح نظام جایگزین بین‌الملل (اینجا) کلیک کنید.

برای مطالعه و دریافت متن کامل این پژوهش، روی لینک زیر کلیک کنید.